

دین و نقش آن در پیش‌گیری و رفع اختلافات اجتماعی از منظر قرآن

حسین عبدالحمیدی*

چکیده

اختلاف و ستیز انسان‌ها با یکدیگر از یک سو، از آثار عالم طبیعت و تراحات مادی و زندگی اجتماعی انسان و از سوی دیگر، ناشی از زیاده‌خواهی و استخدام‌طلبی اوست. ادیان الهی و مکاتب بشری برای پیش‌گیری و رفع اختلافات، پیشنهادهای ارائه کرده‌اند. اسلام نیز به عنوان کامل‌ترین دین الهی، برنامه‌هایی در این زمینه مطرح کرده است.

این تحقیق با رویکرد تحلیلی، به بررسی مهم‌ترین دستورهای اسلام در زمینه پیش‌گیری از اختلافات و درگیری‌ها و رفع چالش‌های اجتماعی از منظر قرآن کریم پرداخته است. در ابتدا به ده اصل دینی برای پیش‌گیری از اختلافات و از بین بردن ریشه‌های آن، و سپس شش اصل مهم دینی برای رفع اختلافات بیان شده است.

کلیدواژه‌ها: دین، اسلام، قرآن، اختلافات، چالش‌ها.

مقدمه

اختلاف و ستیز انسان‌ها با یکدیگر از آثار عالم طبیعت و تراحمات مادی و زندگی اجتماعی انسان است. تاریخ زندگی بشر نشان می‌دهد انسان‌ها همواره گرفتار اختلاف و ستیز با یکدیگر بوده‌اند. خداوند متعال پیش از آفرینش انسان به این ویژگی او توجه داشته است و به فرشتگان، که از فلسفه آفرینش چنین موجودی ستیزه‌جو سؤال کردند، فرموده است: من چیزی درباره آدم می‌دانم که شما نمی‌دانید.^(۱) ریشه ستیزه‌جویی انسان به این امر بازمی‌گردد که او علاوه بر آنکه گرایش‌های معنوی و الهی دارد، زیاده‌خواه و استخدام‌طلب بوده و همواره به دنبال کسب منافع بیشتر است. از این رو، برای بهره‌مندی بیشتر از امکانات مادی، به پایمال کردن حقوق دیگران تمایل دارد. فلسفه پیدایش قوانین اجتماعی نیز مهار این روحیه انسان و ایجاد محیطی مناسب برای زندگی است.

مکاتب بشری در طول تاریخ، قوانین فراوانی در این زمینه پیشنهاد کرده‌اند، اما بشریت در سایه عمل به آنها به جامعه‌ای سالم و فارغ از کشمکش و اختلاف نرسیده است. ورود میلیون‌ها پرونده در سال به دستگاه‌های قضایی کشورها و حوادث تلخ زندگی بشر در عصر حاضر، موید این است که قوانین بشری قادر به تأمین نیاز کامل انسان در این زمینه نبوده است.

اسلام کامل‌ترین برنامه‌ای است که خداوند متعال، آفریننده عالم و آدم، برای تنظیم روابط چهارگانه انسان، به سوی برترین سفیرش حضرت محمد ﷺ فرستاده و برای پیش‌گیری از اختلافات و رفع آنها، برنامه‌هایی ارائه کرده و تنها راه نجات بشریت این است که به این دین آسمانی ایمان بیاورد و تسلیم برنامه‌های الهی آن شود و در عمل، به آن پایبند باشد.

گواه کارآمدی مقررات اسلام در مهار چالش‌های اجتماعی و رفع اختلافات فردی و اجتماعی، وضعیت

جامعه حجاز قبل و بعد از اسلام است. حجاز قبل از اسلام کانون درگیری، غارتگری و کشمکش قبایل با یکدیگر بود و به برکت اسلام، از آن نجات یافت و در پرتو دین به امنیت اجتماعی دست یافت. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: ﴿وَأذْكُرُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا﴾ (آل عمران: ۱۰۳)؛ و نعمت خدا را بر خود یاد کنید آن‌گاه که دشمن [یکدیگر] بودید، پس میان دل‌های شما الفت انداخت تا به لطف او برادران هم شدید، و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رها کند.

منابع روایی و تاریخی نیز به وضوح این حقیقت را تأیید می‌کنند.^(۲) همچنین مسلمانان در پرتو تعالیم اسلام، در مرحله‌ای از تاریخ توانستند جامعه و امتی پدید آورند که گستره‌اش از اقیانوس اطلس تا اقیانوس آرام را دربر می‌گرفت و تمدن اسلامی را، که از تمدن‌های بزرگ جهان است، بنیان نهادند.^(۳)

این مقاله به برنامه‌ها و مقررات اسلام، که در مهار اختلافات و کشمکش‌ها و رفع آنها مؤثرند، می‌پردازد. پیش از آن، تذکر چند نکته لازم است:

۱. اسلام تکریم انسان‌های دیگر و رعایت حقوق آنان را نه از سرناچاری و اضطراب اجتماعی، بلکه به عنوان یک مسئولیت الهی و تکلیف شرعی لازم می‌داند.^(۴)

۲. اسلام تکاپوی همه انسان‌ها در به وجود آوردن زندگی اجتماعی سالم را از باب مقدمه لازم برای حیات معقول و رسیدن انسان به قرب الهی واجب می‌داند. بدون تردید، در جامعه‌ای که کشمکش و درگیری وجود دارد تعالی علمی و اخلاقی و تقرّب به خدا، که هدف خلقت است، با مشکل مواجه خواهد بود. معرفی عدالت اجتماعی به عنوان هدف بعثت انبیا نیز از این باب است.^(۵)

تحقیق با رویکرد قرآنی کاملاً نو و ابتکاری است.
سؤال اصلی پژوهش حاضر عبارت است از: نقش
دین در پیش‌گیری و رفع اختلافات اجتماعی چیست؟
سؤالات فرعی هم عبارتند از:
- راه کارهای اسلام برای پیش‌گیری و رفع اختلافات
اجتماعی کدامند؟
- برنامه‌های اسلام برای حل اختلافات اجتماعی کدامند؟
- شرط اساسی کارآمدی قوانین اسلام در عینیت
جامعه کدام است؟

راه کارهای اسلام برای پیش‌گیری اختلافات

اسلام برای از بین بردن زمینه‌های اختلاف و درگیری،
برنامه‌هایی ارائه کرده است. در صورتی که این برنامه‌ها
مورد توجه قرار گیرند، کشمکش‌های فردی و اجتماعی به
حد اقل می‌رسد. در اینجا، مهم‌ترین آنها را تحت دو عنوان
«راه کارهای ایجابی» و «راه کارهای سلبی» بررسی می‌کنیم:

الف. راه کارهای ایجابی

اسلام برای از بین بردن زمینه‌های اختلاف و درگیری در
جامعه دستوراتی داده که مهم‌ترین آنها عبارت است از:
۱. هشدار نسبت به بازتاب اعمال: ریشه بسیاری از
اختلافات این است که افراد به حقوق دیگران تجاوز
می‌کنند و این کار را نوعی زنگی می‌دانند. اینان از عواقب
کار خود غافلند. اگر باور داشته باشند که چیزی در این عالم
گم نمی‌شود و بازتاب عملشان را خواهند دید و روزی
حقایق آشکار می‌گردد کمتر به حقوق دیگران تجاوز
می‌کنند و در نتیجه، چالش‌ها و اختلافات کاهش می‌یابد.
این مهم با دو اصل بنیادین اسلام یعنی اعتقاد به مبدأ و
معاد، که قرآن کریم با دلایل فراوان به آنها پرداخته است،
اثبات می‌شود. قرآن کریم نسبت به بازتاب اخروی و
دنیوی اعمال هشدار می‌دهد:

۳. ایمان از مقولات ذومراتب است^(۶) و مؤمنان در
دین‌داری متفاوتند. از این‌رو، به هر میزان، افراد یک
جامعه پایبند مقررات دینی باشند، امنیت و آرامش
اجتماعی بیشتری برقرار خواهد بود. از این‌رو، در ارزیابی
کارکرد اسلام، جامعه‌ای که دین‌داریش در سطح پایینی از
ایمان قرار دارند، نمی‌تواند ملاک قرار گیرد.

۴. رابطه قوانین اسلام با یکدیگر رابطه‌ای نظام‌مند
است که تعطیلی هریک، تأثیری منفی بر کارآمدی کل آن
دارد و چون در حال حاضر بسیاری از مسلمانان، گرچه
اسلام را به عنوان یک دین آسمانی می‌دانند، اما در مقام
عمل، به همه مقررات آن پایبند نیستند و عملاً
سکولاریست بوده و از این‌رو، نمی‌توانند الگوی مناسبی
برای ارزیابی کارآمدی اسلام باشند. بنابراین، تفکیک بین
وضعیت موجود و مطلوب اسلام - که در این مقاله مطرح
می‌شود - ضرورت دارد.

۵. اختلاف و کشمکش قلمرو وسیعی دارد؛ از نزاع و
درگیری بین دو فرد، دو خانواده، تا درگیری دو کشور را
شامل می‌شود. در این تحقیق، آنچه مورد توجه است
اختلافات بین افراد و قبایل و گروه‌های اجتماعی است،
گرچه بسیاری از مطالبی که مطرح می‌شود، در اختلافات
خانوادگی و بین دولت‌ها نیز کاربرد دارد.

۶. «دین» عبارت است از: مجموعه معارفی که در
قرآن کریم و سیره و سخن پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و خاندان
معصوم او مطرح شده و مشتمل بر سه محور اساسی
عقاید، احکام و اخلاق است.

درباره پیشینه تحقیق گرچه مفسران در ضمن تفسیر
آیات اجتماعی قرآن کریم و نویسندگان در ضمن
موضوعات مربوط به فواید و کارکردهای دینی مباحثی
درباره نقش دین در پیش‌گیری و رفع اختلافات اجتماعی
مطرح کرده‌اند، اما کتاب یا مقاله مستقلی در این زمینه
یافت نشد و مقاله حاضر از جهت بررسی جامع مسئله

قیامت در میان آنها داوری می‌کند و حق را از باطل جدا می‌سازد. خداوند بر هر چیزی گواه است.

ب. بازتاب اعمال در دنیا: از منظر قرآن کریم، در دنیا نیز همانند عالم آخرت هر کس بر سر سفره خود نشسته است و خیر و شر اعمال انسان ابتدا و بالذات به خود او برمی‌گردد، و اگر دیگران تحت تأثیر عمل او قرار می‌گیرند، امری عارضی است.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنْ أَحْسَنْتُمْ أُحْسِنْتُمْ لِنَفْسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا﴾ (اسراء: ۷)؛ اگر نیکی کنید به خود نیکی کرده‌اید و اگر بدی کنید به خود کرده‌اید.

نیز می‌فرماید: ﴿مَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ يَمْهَدُونَ﴾ (روم: ۴۴)؛ کسانی که کفر می‌ورزند آن روز عقوبت کفرشان دامنگیرشان می‌شود، و کسانی که کار شایسته می‌کنند بساط زندگی جاوید را برای خود می‌گسترانند.

قرآن کریم بخصوص نسبت به آثار مخرب اختلافات هشدار داده است: ﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ (انفال: ۴۶)؛ و (فرمان) خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید و نزاع نکنید تا سست نشوید، و قدرتان از میان نرود، و صبر و استقامت کنید که خداوند با استقامت‌کنندگان است.

خداوند می‌فرماید: از پراکندگی و نزاع بپرهیزید؛ زیرا نخستین اثر کشمکش و نزاع سستی و ضعف در مبارزه است. نتیجه این سستی و فتور هم از میان رفتن قدرت و قوت و هیبت و عظمت شماس است. اینکه می‌فرماید: اگر به نزاع با یکدیگر برخیزید سست می‌شوید و به دنبال آن باد شما را از میان خواهد برد ﴿وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ﴾ اشاره لطیفی به این معناست که قوت و عظمت و جریان امور بر وفق مراد و مقصودتان از میان خواهد رفت؛ زیرا همیشه وزش بادهای موافق سبب حرکت کشتی‌ها به سوی منزل مقصود است. علاوه بر این، وزش باد موجب اهتزاز پرچم‌ها و نشانه قدرت و حکومت است و تعبیر مزبور

الف. بازتاب اعمال در آخرت: از نظر اسلام، همان‌گونه که در عالم مادیات چیزی از بین نمی‌رود و آنچه رخ می‌دهد تبدیل عناصر است، در عالم متافیزیک نیز هیچ رفتار و گفتاری از بین نمی‌رود و هر کاری انسان انجام دهد بازتابش را خواهد دید و در برابر آن مسئول است. باور این مهم انسان را از درون کنترل می‌کند. خداوند متعال در این باره می‌فرماید: ﴿وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ﴾ (انبیاء: ۴۷)؛ ما ترازوهای عدل را در روز قیامت برپا می‌کنیم. پس به هیچ‌کس کمترین ستمی نمی‌شود؛ و اگر به مقدار سنگینی یک دانه خردل (کار نیک و بدی) باشد ما آن را حاضر می‌کنیم، و کافی است که ما حساب‌کننده باشیم.

در جایی دیگر می‌فرماید: ﴿يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنَّا جَعَلْنَا لَكُمُ الْكُتُبَ وَالْحِزْبَ مِنَ الْكُتُبِ وَجَعَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾ (لقمان: ۱۶)؛ پسران، اگر به اندازه سنگینی دانه خردلی (کار نیک یا بد) باشد، و در دل سنگی یا در (گوشه‌ای از) آسمان‌ها وزمین قرار گیرد، خداوند آن را (در قیامت برای حساب) می‌آورد. خداوند دقیق و آگاه است.

قرآن کریم - به ویژه - تأکید می‌کند که روز قیامت روز برجیده شدن همه اختلافات است؛ روزی است که حقایق مخفی آشکار می‌شود و خداوند متعال، که آگاه به اسرار همه افراد است، با داوری عادلانه به اختلافات پایان می‌دهد: ﴿قُلِ اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِي مَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ﴾ (زمر: ۴۶)؛ بگو: خداوند! ای آنکه آفریننده آسمان‌ها و زمین تویی و از اسرار نهان و آشکار آگاهی، تو در میان بندگان در آنچه اختلاف داشتند، داوری می‌کنی. همچنین می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾ (حج: ۱۷)؛ خداوند روز

کنایه از این معناست. (۷)

بدون تردید، این بینش نسبت به جهان هستی و عالم پس از مرگ در کاهش اختلافات بسیار مؤثر است.

۲. توصیه به همزیستی مسالمت‌آمیز با مخالفان: اختلافات عقیدتی و مذهبی از واقعیت‌های جوامع بشری و یکی از مهم‌ترین عوامل کشمکش‌ها و درگیری‌ها در طول تاریخ بوده است. (۸) دین مبین اسلام با تأیید آزادی فکر و عقیده، پیروان خود را به سعه صدر و تحمّل عقاید مخالف و همزیستی مسالمت‌آمیز با آنان دعوت می‌کند. توضیح آنکه خداوند متعال تشریحاً از همگان دعوت کرده است اسلام را بپذیرند و اعلام نموده دینی غیر از اسلام مورد تأیید او نیست: ﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾ (آل عمران: ۱۹)؛ همانا دین نزد خدا اسلام است.

یا می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ﴾ (آل عمران: ۸۵)؛ و هر کس دینی جز اسلام برگزیند هرگز از او پذیرفته نمی‌شود.

با وجود این، تکویناً مردم را آزاد گذاشته است تا با اختیار خود، هر راهی را می‌خواهند طی کنند: ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾ (انسان: ۳)؛ ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و بپذیرا گردد) یا کفران کند. و می‌فرماید: ﴿وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرَهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ﴾ (یونس: ۹۹)؛ اگر پروردگارت می‌خواست تمام کسانی که روی زمین هستند، همگی به اجبار ایمان می‌آوردند؛ آیا تو می‌خواهی مردم را مجبور سازی که ایمان بیاورند؟! خداوند متعال رسماً اعلام فرموده است که تغییر عقیده ابزار مخصوص به خود را می‌طلبد و با اجبار و اکراه نمی‌توان اعتقاد کسی را دگرگون ساخت: ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ﴾ (بقره: ۲۵۶) علماً مه طباطبائی در این باره می‌نویسد: در جمله ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ﴾ دین اجباری نفی شده است؛ زیرا دین عبارت است از: یک سلسله معارف

علمی که اعمالی را به دنبال دارد و جامع همه آنها یک کلمه است و آن عبارت است از: اعتقادات؛ و اعتقاد و ایمان هم از امور قلبی است که اکراه و اجبار در آن راه ندارد. کاربرد اکراه تنها در اعمال ظاهری است که عبارت است از: حرکات مادی و بدنی (مکانیکی)، و اما اعتقاد قلبی برای خود علل و اسباب دیگری از سنخ خود اعتقاد و ادراک دارد. محال است که - مثلاً - جهل علم را نتیجه دهد و یا مقدمات غیر علمی، تصدیقی علمی را بزاید... و جمله ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ﴾ حکم انشایی است و نهی می‌کند از اکراه اعتقاد و ایمان که بر یک حقیقت تکوینی استوار است. (۹)

بنابراین، از نظر اسلام، نه تنها تحمیل عقیده مشروع نیست، بلکه ممکن هم نیست. این از امتیازات انسان نسبت به موجودات دیگر است که آزاد و مختار آفریده شده و به همین دلیل، شایسته تکلیف و پاداش است. بر همین اساس، پیامبر اکرم ﷺ مأمور بودند در دعوت مردم به اسلام، از زور استفاده نکنند و با منطق و استدلال مردم را به دین دعوت نمایند. (۱۰) از این رو، ایشان در مناطقی که فتح می‌کردند، مردم را بین دو امر مخیر می‌ساختند.

الف) اسلام بیاورند و جزو مسلمانان باشند.
ب) بر دین خود باقی باشند و از نظر سیاسی حاکمیت مسلمانان را بپذیرند.

اگر احیاناً فرماندهان در هنگام دعوت به اسلام، برخلاف نظر آن حضرت، خسارتی به مردم وارد می‌ساختند، ایشان خود را مکلف می‌دانستند جبران کنند. (۱۱)

پیامبر اکرم ﷺ نخستین کاری که در مدینه انجام دادند این بود که بین پیروان همه ادیان و گروه‌ها پیمان همزیستی مسالمت‌آمیز و نفی تعرض به یکدیگر امضا کردند و زمینه زندگی آرام و با امنیت را در آن منطقه فراهم کردند و تا زمانی که مشرکان به آن عهد و پیمان وفادار بودند، حضرت بدان پایبند بودند. (۱۲)

۳. **وجوب دفاع از مظلوم:** یکی از عوامل کشمکش و درگیری، احساس امنیت ستمگران قدرتمند در ستم به افراد ناتوان است. اگر آحاد جامعه از افراد مظلوم حمایت کنند، هرگز زورگویان به خود اجازه نمی‌دهند ستم کنند و در این صورت، دامنهٔ چالش‌ها جمع می‌شود. اسلام با واجب دانستن دفاع از مظلوم این مهم را تأیید کرده است: ﴿وَلَا تَزُكُّوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ﴾ (هود: ۱۱۳)؛ و به کسانی که ستم کرده‌اند اعتماد نکنید که آتش [دوزخ] به شما می‌رسد، و در برابر خدا برای شما دوستانی نخواهد بود، و سرانجام یاری نخواهد شد.

علما مه طباطبائی در تفسیر این آیه می‌نویسد: رکون به سوی ستم‌کاران اعتمادی است که ناشی از میل و رغبت به آنان است، چه این رکون در اصل دین باشد، مثل اینکه برخی از حقایق دین را که به نفع آنان است، بگویند و از آنچه به ضرر ایشان است دم فرو بندند و آن را افشا نکنند، و چه اینکه در حیات دینی باشد، مثل اینکه به ستم‌کاران اجازه دهد تا به نوعی که دلخواهشان است در ادارهٔ امور مجتمع دینی مداخله کنند و ولایت امور عامه را به دست گیرند، و چه اینکه ایشان را دوست بدارد و دوستی‌اش منجر به مخالفت و آمیزش با آنان شود و در نتیجه، در شئون حیاتی جامعه و یا فردی از افراد اثر سوء بگذارد. (۱۳)

ارتباط با ظالمان از آن نظر که موجب تقویت آنهاست و تقویت آنها باعث گسترش دامنهٔ ظلم و فساد و تباهی جامعه می‌شود حرام است. (۱۴)

در آیهٔ دیگری، خداوند متعال به مؤمنان دستور داده است بر ضد تجاوزگران به حقوق دیگران بچنگند: ﴿وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِي إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ (حجرات: ۹)؛ و اگر دو طایفه از مؤمنان با

هم بچنگند، میان آن دو را اصلاح کنید، و اگر [باز] یکی از آن دو بر دیگری تعدی کرد با آن که تعدی می‌کند بچنگید تا به فرمان خدا بازگردد. پس اگر بازگشت، میانشان را دادگرا نه سازش دهید و عدالت کنید که خدا دادگران را دوست دارد.

امیرمؤمنان علی ع در وصیت‌نامهٔ خود نوشتند: «كونوا للظالم خصماً وللمظلوم عوناً»؛ (۱۵) دشمن ستمگر و یاور مظلوم باشید.

همچنین آن حضرت از پیامبر ص نقل کرده‌اند که فرمود: «کسی که فریاد دادخواهی را بشنود که مسلمانان را به کمک می‌طلبد و اجابت نکند مسلمان نیست.» (۱۶)

امیرمؤمنان علی ع می‌فرماید: «کسی که برای یاری ستمگری نزد او برود، در حالی که می‌داند او ستمگر است، از دایرهٔ اسلام خارج شده است.» (۱۷)

امام صادق ع می‌فرماید: «امتی که حقوق زیردستانش را از زورمندان بدون رنج نگیرد منزّه نشد.» (۱۸)

۴. **وجوب مهار هوس‌ها و اصلاح نفس:** بسیاری از کشمکش‌های اجتماعی ریشه در مسائل نفسانی همانند حسادت، زیاده‌طلبی، کینه‌توزی، جاه‌طلبی، و خشم بی‌جا دارد. اسلام برای مهار این عوامل نفسانی راه کارهای مهمی ارائه داده که علمای اخلاق به تفصیل دربارهٔ آنها سخن گفته‌اند. توضیح مطلب اینکه بسیاری از اختلافات و چالش‌های اجتماعی به سبب جهل و شبههٔ علمی نیست، بلکه به دلیل شهوت عملی و هواپرستی است، و اختلاف پس از علم است، نه پیش از آن: ﴿وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَةُ﴾ (بینه: ۴)؛ اهل کتاب (نیز در دین خدا) اختلاف نکردند، مگر پس از آنکه دلیل روشن برای آنان آمد.

امیرمؤمنان علی ع دربارهٔ نقش هوا و هوس در اختلافاتی که دامنگیر جامعهٔ اسلامی در عصر آن حضرت شده بود، فرمودند: «وَإِنَّمَا أَنْتُمْ إِخْوَانٌ عَلَى دِينِ اللَّهِ مَا

نیز لازم شمرده است: ﴿وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطٰنًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مُنْصُورًا﴾ (اسراء: ۳۳)؛ و کسی را که خداوند خونش را حرام شمرده است به قتل نرسانید جز به حق، و آن کس که مظلوم کشته شده برای ویش سلطه (حق قصاص) قرار دادیم، اما در قتل اسراف نکند؛ چراکه او مورد حمایت است.

در حجاز قبل از بعثت پیامبر ﷺ اگر یک نفر از قبیله‌ای کشته می‌شد بستگان مقتول تا می‌توانستند از قبیله قاتل می‌کشتند و از این رو، گاهی درگیری‌های کوچک به تدریج، دامنه‌اش گسترش می‌یافت. این دستور اسلام بسیاری از چالش‌های اجتماعی را مهار کرد. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «از ظلم بپرهیزید؛ زیرا در روز رستاخیز (که هر عملی به شکل مناسبی مجسم می‌شود) ظلم در شکل ظلمت تجسم خواهد یافت.» (۲۲)

حضرت علیؓ در نامه‌ای که به محمد بن ابی‌بکر نوشتند: رعایت عدالت نسبت به همگان را سفارش کردند: «بال‌های محبت را برای آنها بگستر، و پهلوی نرمش و ملامت را بر زمین بگذار، چهره خویش را برای آنها گشاده دار، و تساوی را در بینشان، حتی در نگاه‌هایت مراعات کن تا بزرگان کشور در حمایت بی‌بدیل تو طمع نورزند و ضعفا در انجام عدالت از تو مأیوس نشوند.» (۲۳)

ب. راه‌کارهای سلبی

اسلام علاوه بر دستورات ایجابی و اثباتی، که برای از بین بردن زمینه اختلافات ارائه داده، ترک بعضی از امور را نیز، که موجب اختلاف و کشمکش بین انسان‌هاست خواستار شده که مهم‌ترین آنها ذکر می‌شود:

۱. نهی از مخدوش ساختن کرامت افراد: ریشه‌های بسیاری از اختلافات بین افراد و گروه‌های اجتماعی به بدگمانی، تحقیر، توهین و بدزبانی و مانند آن و در یک کلمه، به

فَرَّقَ بَيْنَكُمْ إِلَّا حُبُّ السَّرَائِرِ وَ سُوءُ الضَّمَائِرِ؛ (۱۹) شما برادران دینی یکدیگرید و چیزی جز درون پلید و نیت زشت، شما را از هم جدا نساخته است.

اختلافاتی که ریشه در نفسانیات دارد با همایش و گفتن و نوشتن حل نمی‌شود، بلکه باید نفس انسان‌ها اصلاح شود تا مشکل برطرف گردد.

۵. وجوب رعایت عدالت در حق همه انسان‌ها: یکی از ریشه‌های مهم اختلافات فردی و اجتماعی ظلم و بی‌عدالتی است. اسلام با نامشروع دانستن تجاوز به حقوق دیگران، زمینه‌های این نوع چالش‌ها را از بین برده است. از نظر اسلام، ظلم به هر انسان از هر مکتب و مرامی زشت و ناپسند است و عدالت نسبت به همه افراد مطلوب و لازم. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ (مائده: ۸)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، همواره برای خدا قیام کنید و از روی عدالت، گواهی دهید. دشمنی با یک گروه، شما را به گناه و ترک عدالت نکشانند. به عدالت رفتار کنید که به پرهیزگاری نزدیک‌تر است و از (معصیت) خدا بپرهیزید که خداوند از آنچه انجام می‌دهید، باخبر است.

این آیه شریفه دعوت به قیام برای عدالت می‌کند و نظیر آن با تفاوت مختصری در سوره نساء، آیه ۱۳۵ آمده و به یکی از عوامل انحراف از عدالت اشاره نموده است؛ به مسلمانان هشدار می‌دهد: نباید کینه‌ها و عداوت‌های قومی و تسویه حساب‌های شخصی مانع از اجرای عدالت و موجب تجاوز به حقوق دیگران گردد؛ زیرا عدالت از همه اینها بالاتر است. (۲۰)

در اهمیت عدالت در اسلام، همین بس که خداوند متعال هدف بعثت پیامبران را احیای این مهم معرفی کرده است. (۲۱) اسلام عدالت و خارج نشدن از حق را در انتقام گرفتن

و آخرت از رحمت الهی بدورند و عذاب بزرگی برای آنهاست. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «تهمت به بی‌گناه، از آسمان سنگین‌تر است.» (۲۷)

۱۰. با دیگران خوب سخن بگویید: ﴿وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا﴾ (بقره: ۸۳) بسیاری از درگیری‌ها از آنجا سرچشمه می‌گیرد که افراد با دیگران به درستی سخن نمی‌گویند.

اگر این دستورات اسلام رعایت شوند بسیاری از اختلافات از جوامع بشری رخت بر می‌بندد.

۲. نفی عصبیت‌های نابجا: یکی از عوامل درگیری بین انسان‌ها، حساسیت و تعصب نسبت به نژاد، حزب، قبیله و امثال آن است. اگر افراد به جای دفاع از حزب و قوم و قبیله خود، از حق دفاع کنند هرگز دامنه اختلافات گسترش پیدا نمی‌کند.

از نظر اسلام، عصبیت‌های نژادی، قبیله‌ای و جغرافیایی به شدت مذموم و موجب عذاب الهی است (۲۸) و آنچه باید در موضع‌گیری‌ها و حساسیت‌ها، معیار و ملاک قرار گیرد، حق و عدالت است. خداوند متعال تفاوت‌های نژادی و جنسیتی را در شناسایی افراد مفید و از لوازم حیات بشری می‌شمارد، اما نباید در ارزش‌گذاری‌ها دخالت داده شود: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ (حجرات: ۱۳)؛ ای مردم، ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌هایی قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید (این‌ها ملاک امتیاز نیست). گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست. خداوند دانا و آگاه است.

امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را، که نماد اسلام است، تحسین کرده و ایشان را شخصیتی معرفی نموده که تعصبات قومی و قبیله‌ای در موضع‌گیری‌هایشان جایگاهی نداشته است: «بار خدایا، بر محمد، که بر وحی و پیغام تو درست‌کار و برگزیده‌ی تو از آفریدگانت است و

پایمال کردن کرامت انسان‌ها بازمی‌گردد. اسلام با ممنوع ساختن توهین و تحقیر دیگران، به رعایت کرامت افراد سفارش می‌کند و از این طریق سعی در ریشه‌کن کردن بسیاری از اختلافات دارد. خداوند متعال برای حفظ کرامت انسان، دستورالعمل‌هایی بیان داشته که برخی از مهم‌ترین آنها عبارت است از:

۱. از یکدیگر عیب‌جویی نکنید: ﴿وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ﴾ (حجرات: ۱۱)

۲. یکدیگر را با القاب زشت و بد صدا نزنید: ﴿وَلَا تَتَّبِعُوا بِاللَّغَابِ﴾ (حجرات: ۱۱)

۳. دیگران را مسخره نکنید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ﴾ (حجرات: ۱۱)

۴. به دیگران فحش ندهید: ﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾ (انعام: ۱۰۸)

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «همانا خداوند بهشت را بر هر فحاش و هرزه‌گوی کم‌حیا حرام کرده است.» (۲۴)

۵. دیگران را با بی‌توجهی تحقیر نکنید: ﴿عَبَسَ وَتَوَلَّى﴾ (عبس: ۱) (۲۵)

در حدیثی از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمده است: «لقمان به پسرش فرمود: پسرکم، هیچ‌کس را به سبب کهنگی جامعه‌اش تحقیر مکن که خدای تو و خدای او یکی است.» (۲۶)

۶. به دیگران گمان بد مبرید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ﴾ (حجرات: ۱۲)

۷. در کار یکدیگر تجسس نکنید: ﴿وَلَا تَجَسَّسُوا﴾ (حجرات: ۱۲)

۸. از غیبت دیگران پرهیزید: ﴿وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا﴾ (حجرات: ۱۲)

۹. از تهمت به دیگران پرهیزید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَزْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْعَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لَعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ (نور: ۲۳)؛ کسانی که زنان پاک‌دامن و بی‌خبر (از هرگونه آلودگی) و مؤمن‌رامتهم می‌سازند، در دنیا

حتی گاهی هم عمل به پیمان برای ایشان دشواری‌هایی به همراه داشت، اما حاضر به نقض عهد نشد. (۳۱)

۴. **تحریم خیانت در حق دیگران:** یکی از ریشه‌های اختلاف و درگیری، خیانت افراد و گروه‌ها به یکدیگر است. از نظر اسلام، تا زمانی که افراد کرامت انسان‌های دیگر را پاس می‌دارند، جان، مال، ناموس و آبرویشان دارای حرمت است و کسی حق تعرض به آنها را ندارد. به عبارت دیگر، انسان‌ها از هر نژاد، زبان و رنگی محترم و از حقوق و مزایای انسانی برخوردارند. از نظر اسلام، انسان از زمانی که در رحم مادر قرار می‌گیرد تا آخرین نفس زندگی، دارای حقوق انسانی است و حفظ حرمتش لازم است. حتی پس از مردن نیز نمی‌توان به جسد بی‌جان او اهانت کرد. خداوند متعال مکرر به مسلمانان دستور داده است حقوق انسان‌های دیگر، اعم از مؤمن و کافر، را پاس بدارند: ﴿وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ﴾ (اعراف: ۸۵)؛ از چیزهای مردم نگاهید. واژه‌های «الناس» و «اشیاءهم» عام هستند؛ یعنی بدانچه متعلق به مردم است خیانت نکنید.

امیرمؤمنان علی علیه السلام به مالک‌اشتر نوشتند: «نسبت به مردم مهربان باش...؛ زیرا مردم یا برادر دینی تواند و یا هم‌نوع تو.» (۳۲)

۵. **ممنوعیت اقدام قبل از علم:** یکی از عوامل اختلاف بین مردم موضع‌گیری آنان پیش از علم و یقین است. اسلام به پیروان خود سفارش می‌کند تا زمانی که در اندیشه به حجت و برهان نرسیده‌اند، تصمیم نگیرند و تا به مرحله یقین دست پیدا نکرده‌اند تصدیق و تکذیب نکنند: ﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولاً﴾ (اسراء: ۳۶)؛ از آنچه بدان آگاهی نداری، پیروی مکن؛ چراکه گوش و چشم و دل، همه مسئولند. از منظر اسلام، موضع‌گیری نسبت به مسائل - نفیاً و اثباتاً - باید پس از علم و یقین باشد؛ زیرا تصمیم قبل از این مرحله خیال‌اندیشی است و خداوند سبحان افراد

دوست تو از بندگانت و پیشوای رحمت و مهربانی و پیشاهنگ خیر و نیکی و کلید برکت (افزونی نیکیبختی) است، درود فرست؛ همچنان‌که او خود را برای انجام فرمانت آماده نمود و در راه (رساندن دین و احکام) تو تن خویش را آماج (هرگونه) آزار ساخت و در دعوت (مردم) به سوی تو، با خویشاوندانش (که زیر بار نمی‌رفتند) دشمنی آشکار نمود و در (راه) رضا و خشنودی تو، با قبیله‌اش کارزار کرد و در زنده (برپا) داشتن دینت، از خویشانش دوری گزید و نزدیکان را بر اثر انکارشان (نسبت به تو) دور گردانید و بیگانگان را بر اثر پذیرفتنشان نزدیک نمود و در راه تو با دورترین (مردم) دوستی کرد و درباره‌ات با نزدیک‌ترین (خویشان) دشمنی نمود و در رساندن پیام تو، خود را خسته کرد، و با دعوت به دین تو، خود را به رنج افکند.» (۲۹)

۳. **تحریم نقض عهد و پیمان:** یکی از ریشه‌های درگیری‌های فردی و اجتماعی، عدم پای‌بندی افراد و گروه‌ها به قراردادهای و پیمان‌هاست. اسلام پای‌بندی به قراردادهای را به عنوان یک امر اخلاقی و دینی واجب می‌داند و نقض پیمان را تا زمانی که طرف قرارداد آن را نقض نکرده باشد حرام می‌شمارد. خداوند متعال در این باره می‌فرماید: ﴿وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولاً﴾ (اسراء: ۳۴)؛ و به پیمان وفا کنید؛ چراکه از پیمان پرسیده خواهد شد.

همچنین می‌فرماید: ﴿فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ﴾ (توبه: ۷)؛ تا زمانی که در برابر شما وفادارند شما نیز وفاداری کنید.

حضرت علی علیه السلام در توصیف پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «پیامبر صلی الله علیه و آله بخشنده‌ترین، پرجرئت‌ترین، راستگو‌ترین و وفاکننده‌ترین مردم به عهد و پیمان بود.» (۳۰)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با گروه‌های مختلف اهل کتاب و مشرکان مکه و مدینه پیمان امضا کردند و تا زمانی که آنان به عهد و پیمان پایبند بودند، حضرت نیز وفادار ماندند.

خیال‌اندیش را دوست ندارد: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ﴾ (لقمان: ۱۸)؛ خداوند هیچ متکبر مغروری را دوست ندارد.
«مختال» یعنی کسی که بر اساس خیال تصمیم می‌گیرد.

راهکارهای اسلام برای رفع چالش‌ها و اختلافات

آنچه مطرح شد بخشی از برنامه‌های اسلام برای از بین بردن زمینه‌های اختلاف و کشمکش در جامعه بود. اسلام برای اصلاح بین افراد و گروه‌هایی که دچار نزاع و درگیری شده‌اند و برای رفع اختلافات نیز برنامه‌هایی ارائه کرده است که در ادامه، مهم‌ترین آنها ذکر می‌شود:

۱. عفو و گذشت

اسلام برای کم کردن درگیری‌ها و زمینه‌سازی برای آرامش اجتماعی، همگان را به عفو و گذشت در حقوق شخصی دعوت می‌کند. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (نور: ۲۲)؛ و باید عفو کنند و چشم‌پوشند؛ آیا دوست نمی‌دارید خداوند شما را ببخشد؟ و خداوند آمرزنده و مهربان است.

خداوند متعال به پیامبر ﷺ می‌فرماید: ﴿خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ﴾ (اعراف: ۱۹۹)؛ با آنها مدارا کن و از خطاهایشان بگذر و به نیکی‌ها دعوت نما و از جاهلان روی گردان.

علامه طباطبائی در تفسیر این آیه شریفه می‌نویسد: «اخذ به چیزی» به معنای ملازمت و ترک نکردن آن چیز است. پس معنای اینکه فرمود: «بگیر عفو را» این است که همواره بدی‌های اشخاصی را که به تو بدی می‌کنند ببوشان و از حق انتقام، که عقل اجتماعی برای بعضی بر بعض دیگر تجویز می‌کند، صرف‌نظر نما. (۳۳)

پیامبر اکرم ﷺ، که نماد اسلام و الگوی مؤمنان است، بر اساس دستور الهی عمل می‌کردند. از این‌رو، به خاطر

ظلمی که به ایشان می‌شد هرگز انتقام نمی‌گرفتند، مگر وقتی حرمت حدود الهی رعایت نمی‌شد که در این صورت، برای رضای خدا انتقام می‌گرفتند. (۳۴) ایشان وقتی با اقتدار وارد مکه شدند، همه کسانی را که به ایشان ستم کرده بودند، عفو کردند و از هیچ‌کس انتقام نگرفتند. این در حالی است که قریش و مشرکان مکه از آغاز ظهور اسلام تا آن روز نسبت به رسول خدا ﷺ از هرگونه دشمنی و آزار فروگذار نکرده بودند و در مقابل کسی که گفت: «الیوم یوم الملاحمة»، اعلام کردند: «الیوم یوم المرحمة» (۳۵) و فرمودند: ﴿لَا تَتْرِبَ عَلَیْكُمْ الْیَوْمَ یَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ﴾ (یوسف: ۹۲)؛ امروز بر شما سرزنشی نیست. خدا شما را می‌آمرزد و او مهربان‌ترین مهربانان است. و سپس فرمودند: «بروید، شما آزادید.» (۳۶) ابو عبد الله جدلی می‌گوید: گویی به پیامبر می‌نگرم که همانند پیامبری از پیامبران بود که قومش او را زدند و خونینش کردند و او در حالی که خون از چهره‌اش می‌زدود، گفت: خدایا، از قوم من درگذر که آنها نمی‌دانند. (۳۷)

۲. ایجاد تفاهم و زدودن دشمنی‌ها

ایجاد تفاهم و زدودن کدورت‌ها و تبدیل دشمنی‌ها به صمیمیت و دوستی، یکی از مهم‌ترین برنامه‌های اسلام است. خداوند متعال به مسلمانان دستور داده تا بین افراد و گروه‌هایی که با یکدیگر اختلاف و دشمنی دارند آشتی برقرار کنند: ﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (انفال: ۱)؛ پس، از مخالفت فرمان خدا بپرهیزید و خصومت‌هایی را که در میانتان است آشتی دهید و خدا و پیامبرش را اطاعت کنید اگر ایمان دارید.

«اصلاح ذات‌البین» به معنای اصلاح اساس ارتباطات و تقویت و تحکیم پیوندها و از میان بردن عوامل و اسباب تفرقه و نفاق است. در تعلیمات اسلامی به قدری به این

فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ ﴿فصلت: ۳۴﴾؛ نیکی و بدی هرگز یکسان نیست. بدی را با نیکی دفع کن تا دشمنان سرسخت همچون دوستان گرم و صمیمی شوند.

۴. حل و فصل قضائی

یکی از راه‌های حل اختلاف، حکومت و حل و فصل قضائی است. اسلام برای رسیدگی به اختلافات تشکیلات خاصی را در نظر گرفته و مقررات فراوانی برای رسیدگی به اختلافات ارائه کرده و برای قاضی به عنوان مرجع رسیدگی به دعاوی، شروط مهمی مشخص کرده است. خداوند متعال می‌فرماید: هدف از فرستادن کتاب آسمانی قرآن، اجرای اصول حق و عدالت در میان است و یکی از شئون پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را داوری در اختلافات می‌داند: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِبِينَ خَصِيمًا﴾ (نساء: ۱۰۵)؛ ما این کتاب را به حق بر تو نازل کردیم تا به آنچه خداوند به تو آموخته، در میان مردم قضاوت کنی و از حامیان خائنان نباش.

نیز می‌فرماید: ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ﴾ (مانده: ۴۸)؛ و ما این کتاب (قرآن) را به حق به سوی تو فرو فرستادیم، در حالی که تصدیق‌کننده کتاب‌های پیشین و حاکم بر آنهاست. پس میان آنان بر وفق آنچه خدا نازل کرده است حکم کن.

باب «قضاء» از مهم‌ترین ابواب فقه اسلامی است.

۵. بصیرت‌افزایی و روشنگری

اختلافاتی که ریشه‌شان جهل و نادانی است، تنها راه حل بصیرت‌افزایی و روشنگری است. اسلام به این مهم توجه خاص داشته و همگان را بدان سفارش کرده است. قرآن کریم تعلیم و تربیت را از مهم‌ترین اهداف بعثت پیامبران الهی می‌داند. (۴۱)

موضوع اهمیت داده شده که به عنوان یکی از برترین عبادات معرفی گردیده است. (۳۸)

در آیه دیگری خداوند متعال سه دستور مهم برای حل اختلافات داده است: ﴿وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأْضَلِحُوا بَيْنَهُمَا فإِنْ بَعَثَ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِي إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأْضَلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ (حجرات: ۹)؛ و اگر دو طایفه از مؤمنان با یکدیگر جنگیدند میانشان را اصلاح دهید، و اگر (باز) یکی از آن دو بر دیگری تعدی کرد، با آن (طایفه‌ای) که تعدی می‌کند بجنگید تا به فرمان خدا بازگردد. پس اگر باز گشت، میان آنها را دادگرانه سازش دهید و عدالت کنید که خدا دادگران را دوست می‌دارد.

امیرمؤمنان علی عَلِيٌّ در آخرین وصیای خود نوشتند: «شما و همه خاندانم و کسانی را که نامه‌ام به آنان می‌رسد به تقوای الهی و نظم در امور و اصلاح ذات‌البین سفارش می‌کنم. من از جد شما پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شنیدم که می‌فرمودند: اصلاح رابطه میان مردم از یک سال نماز و روزه مستحب برتر است.» (۳۹)

امام صادق عَلِيٌّ فرمودند: «صدقه‌ای را که خداوند دوست دارد اصلاح بین مردم است هنگامی که به فساد گرایند، و نزدیک ساختن آنها به یکدیگر است به هنگامی که از هم دور شوند.» (۴۰)

ایجاد تفاهم و دوستی ممکن است توسط عدول مؤمنان و یا توسط شورای حل و عقد انجام شود.

۳. بدی را با خوبی پاسخ دادن

یکی از عواملی که دامنه اختلافات را گسترش می‌دهد جبران بدی با بدی است. پیشنهاد اسلام برای مهار اختلافات این است که بدی‌ها با خوبی پاسخ داده شود: ﴿وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ

پی‌نوشت‌ها

- ۱- ر.ک: بقره: ۳۰-۳۱.
- ۲- ر.ک: نهج البلاغه، خ ۲۶ و ۱۵۱؛ ابوجعفر محمد بن حبيب، المحبر، ص ۶۲؛ گوستاو لوبون، تاریخ تمدن اسلام و عرب، ترجمه سیدهاشم حسینی، ص ۶۳؛ عمر فروخ، تاریخ الجاهلیه، ص ۱۵۴.
- ۳- ر.ک: سیدحسین نصر، قلب اسلام، ترجمه مصطفی شهرآیینی و شهرام پازوکی، ص ۲۴۳؛ وات مونتگمری، تأثیر اسلام در اروپای قرون وسطی، ترجمه حسین عبدالمحمدی، ص ۱۰.
- ۴- ر.ک: مانده: ۸؛ نساء: ۱۳۵.
- ۵- ر.ک: حدید: ۲۵.
- ۶- توبه: ۱۲۴؛ آل عمران: ۱۷۳.
- ۷- ر.ک: ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۱۹۶.
- ۸- درگیری‌های خونین بین فرق مختلف مسیحیت با یکدیگر و درگیری‌های یهودیان با مسیحیان و در عصر حاضر در دنیای اسلام، گروه‌هایی با مستمسک قراردادن دین و مذهب بزرگ‌ترین جنایت‌ها را مرتکب می‌شوند.
- ۹- سید محمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۳۴۳.
- ۱۰- ر.ک: نحل: ۱۲۵.
- ۱۱- ر.ک: عبدالملک ابن هشام، السیره النبویه، تحقیق مصطفی السقاف، ج ۴، ص ۷۰؛ محمد بن عمر واقدی، المغازی، تحقیق مارسلان جونس، ج ۱، ص ۱۵۹.
- ۱۲- ر.ک: حامد منتظری مقدم، صلح‌های پیامبر اکرم ﷺ.
- ۱۳- سید محمدحسین طباطبائی، همان، ج ۱۱، ص ۵۰.
- ۱۴- ناصر مکارم شیرازی و همکاران، همان، ج ۹، ص ۲۵۹.
- ۱۵- نهج البلاغه، ن ۴۷.
- ۱۶- محمد بن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۸۵.
- ۱۷- همان، ص ۱۸۵.
- ۱۸- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۶.
- ۱۹- نهج البلاغه، خ ۱۱۳.
- ۲۰- ناصر مکارم شیرازی و همکاران، همان، ج ۴، ص ۳۰۲.
- ۲۱- ر.ک: حدید: ۲۵.
- ۲۲- محمد بن حسن حرّ عاملی، همان، ج ۹، ص ۴۲.
- ۲۳- نهج البلاغه، نامه ۲۸.
- ۲۴- محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج ۲، ص ۳۲۳، ح ۳.
- ۲۵- در شأن نزول این سوره آمده است که روزی یکی از مؤذنان رسول خدا ﷺ به نام ابن ام‌مکتوم که فردی نابینا بود به محضر رسول خدا ﷺ وارد شد، رسول خدا ﷺ او را نزد خود خواند و بر فرد دیگری مقدّم داشت. آن فرد چهره در هم کشید و اظهار ناراحتی نمود. در این هنگام آیات سوره «عبس» نازل شد و این

مؤید این مطلب سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام است که با گروه‌های منتقد اسلام مناظرات و احتجاجات فراوانی داشتند. همچنین حضرت علی‌علیه‌السلام در جریانات فتنه‌آلود دوره حکومتشان دامنه جنگ‌های جمل و نهروان را با روشنگری و توجیه مردم کوتاه کردند. نامه‌های آن حضرت و سخنرانی‌های ایشان به خوبی این حقیقت را تأیید می‌کند.

نتیجه‌گیری

اسلام برای دفع اختلافات و چالش‌های اجتماعی، برنامه‌هایی ارائه کرده است: با طرح مسئله معاد و حیات پس از مرگ، نوعی خودبازدارندگی ایجاد کرده است؛ با پذیرش آزادی عقیده، پیروان خود را به سعه صدر و تحمل عقاید مخالف دعوت نموده است. با وجوب رعایت عدالت نسبت به همگان، تجاوز به حقوق دیگران را نامشروع دانسته است؛ با ممنوعیت اهانت به دیگران، کرامت انسان‌های دیگر را پاس داشته است؛ و با نفی عصبیت‌های قومی و حزبی حق و عدالت را معیار موضع‌گیری‌های درست معرفی کرده است؛ تحریم نقض عهد، پای‌بندی به قراردادهای اخلاقی و دینی واجب شمرده است؛ با ممنوعیت اقدام قبل از علم، از موضع‌گیری قبل از علم و یقین جلوگیری کرده است؛ با وجوب دفاع از مظلوم، از گسترش چالش‌ها کاسته است؛ و با وجوب اصلاح نفس و مهار هوس، از کشمکش‌هایی که ریشه در مسائل نفسانی دارد جلوگیری نموده است. همچنین اسلام برای رفع اختلافات و کم کردن درگیری‌ها و زمینه‌سازی برای آرامش اجتماعی، همگان را به عفو و گذشت در حقوق شخصی و اصلاح روابط و ایجاد تفاهم و زدودن دشمنی و بدی را با خوبی پاسخ دادن و بصیرت‌افزایی دعوت کرده است. در نهایت، با طرح مسئله حکومتات و تشکیلات قضائی، برای حل و فصل قضائی اختلافات راه‌حل ارائه داده است.

- حرکت ضد اخلاقی او را نکوهش نمود. (علی‌بن ابراهیم قمی، **تفسیر قمی**، ج ۲، ص ۴۰۴)
- ۲۶- فتال شیرازی، **روضه الواعظین**، ج ۲، ص ۴۵۵.
- ۲۷- محمد دیلمی، **ارشاد القلوب**، ج ۱، ص ۱۹۲.
- ۲۸- ر.ک: محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج ۸، ص ۱۶۲-۱۶۳.
- ۲۹- امام سجّاد علیه السلام، **صحیفه سجّادیه**، دعای ۲.
- ۳۰- محمدباقر مجلسی، **بحار الانوار**، ج ۱۶، ص ۲۳۱.
- ۳۱- ر.ک: محمدباقر مجلسی، همان، ج ۲۰، ص ۱۵۷.
- ۳۲- **نهج البلاغه**، نامه ۵۳.
- ۳۳- سید محمدحسین طباطبائی، همان، ج ۸، ص ۳۸۰.
- ۳۴- ابو عبدالله محمد بن سعد، **الطبقات الكبرى**، ج ۱، ص ۳۶۷.
- ۳۵- عبدالحمید بن هبة الله ابن ابی الحدید، **شرح نهج البلاغه**، تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم، ج ۱۷، ص ۲۷۳.
- ۳۶- همان، ص ۲۸۰.
- ۳۷- محمد بن اسماعیل بخاری، **صحیح بخاری**، ج ۶، ص ۱۲۳.
- ۳۸- ر.ک: ناصر مکارم شیرازی و همکاران، همان، ج ۷، ص ۸۴.
- ۳۹- **نهج البلاغه**، نامه ۴۷؛ محمدباقر مجلسی، همان، ج ۷۳، ص ۴۴.
- ۴۰- محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج ۲، ص ۲۰۹.
- ۴۱- جمعه: ۲.
- **منابع**
- **نهج البلاغه**، ترجمه محمد دشتی، قم، پارسایان، ۱۳۷۹.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، **شرح نهج البلاغه**، تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
- ابن سعد، ابو عبدالله محمد، **الطبقات الكبرى**، تحقیق محمد عبدالقادر عطاء، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۰ق.
- ابن هشام، عبدالملک، **السیرة النبویة**، تحقیق مصطفی السقا، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، **صحیح بخاری**، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱ق.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعه**، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- دیلمی، محمد، **ارشاد القلوب**، نجف، مطبعة الحیدریه، بی تا.
- طباطبائی، سید محمدحسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم، اسماعیلیان، ۱۳۲۹ق.
- فتال نیشابوری، **روضه الواعظین**، نجف، مطبعة الحیدریه، بی تا.
- فروغ، عمر، **تاریخ الجاهلیه**، بیروت، دارالعلم، بی تا.
- قمی، علی بن ابراهیم، **تفسیر القمی**، قم، کتابفروشی علّامه، بی تا.
- منتظری مقدّم، حامد، **صلح های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله**، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۶.
- کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، چ چهارم، تهران، دارالکتاب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
- لویون، گوستاو، **تمدن اسلام و عرب**، ترجمه سیدهاشم حسینی، تهران، کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۴۷.
- مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، **تفسیر نمونه**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۳.
- مونتگمری، وات، **تأثیر اسلام در اروپای قرون وسطی**، ترجمه حسین عبدالحمیدی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۹.
- نصر، سیدحسین، **قلب اسلام**، ترجمه مصطفی شهرآیینی و شهرام پازوکی، تهران، حقیقت، ۱۳۸۳.
- واقدی، محمد بن عمر، **المغازی**، تحقیق مارسلان جونس، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹ق.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی